

اخبار باغ‌های بزرگ

سیروس شمیسا

www.ketab.ir



تهران - ۱۳۹۲

سرشناسه	شمیسا، سیروس، ۱۳۲۷ -
عنوان و پدیدآور	آخبار باغ‌های بزرگ / سیروس شمیسا.
مشخصات نشر	تهران: میترا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۲۴۰ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۴۱۷-۷۵-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	فیب
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۰ الف ۳ م ۸ PIR۸۱۲۳
رده‌بندی دیویی	۸۶ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۵۴۲۲۵۶



آخبار باغ‌های بزرگ

سیروس شمیسا

چاپ نخست: تابستان ۱۳۹۲ - چاپ: چاپخانه تابش
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: میترا (مروارید پورکاظمی)
شمار: ۱۰۰۰ نسخه

همه حقوق برای نشر میترا محفوظ است.

نشر میترا: خیابان مجاهدین اسلام، شماره ۱۸۲

تلفن: ۲۳۱۲۳۵۰۵، نمابر: ۲۳۵۰۴۲۲۴

ISBN: 978-964-8417-75-3

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۱۷-۷۵-۳

فهرست شعرها

- آسمانی که یک عمر در آن پریدم ۲۵
(رفتم و رفتنم حدّ و مرزی ندارد)
- آلوجه دار کوجه ما گل داد ۸۸
(آئینه دار کار خودت بودی)
- آیا مرا به یاد می آری؟ ۱۰۶
(در من غروب غمرده‌یی بود، در تو سپیده‌گاه بهاری)
- آینه ۷۶
(بر آینه نهاد بنا زندگیش را)
- اسلوب پشیمانی ۵۹
(گرچه شب سینه پر از شعله نیرانی بود)
- استباهش بود ۹۹
(چقدر پنجره باز در نگاهش بود)
- افتخار نظم و نثر ۴۴
(به نظم و نثر کسی را اگر افتخار سزااست)
- امسال فروردین من ۱۲۷
(امسال فروردین من یک پا خزان بود)
- ای آخرین صدا ۲۳
(از دورها صدای ترا گوش می‌کنم)
- ای در بهار نازک رؤیاها ۲۷
(ای در بهار نازک رؤیاها)



- ایران‌نامه ۱۰۰
(ابر آذاری برآمد خیمه بر صحرا کشید)
- ای شاعر شاعران ۵۵
(ای شاعر شاعران علی‌الطلاق)
- ای قوم در به در ۲۸
(اینجا کسی برای شما گریه می‌کند)
- با باده‌ها پیوند خوردم ۲۰
(من مثل بارانی که دیگر طاقت ماندن ندارد)
- باغ رؤیاهام نیست ۵۶
(این همان باغ است اما باغ رؤیاهام نیست)
- با یاد بود سبز تو ۱۲۳
(آنجا تمام پنجره‌هایم سراب بود)
- باید قبول کرد ۱۳۰
(هرچند مثل شمع شراری نداشتم)
- با یکی پیراهن تنها ۲۲
(در میان خاطراتی دور غوغا کرده‌ای)
- بیودن یا نبودن ۱۲۲
(خسته از تکرار، آری)
- بختم نبود ۱۳۲
(گرچه پُر بودم ز پُر، پرواز در بختم نبود)
- بخند ۳۷
(تو ای ستاره سرسبز بر بهار بخند)
- به آغاز آرام دریا ۱۲۹
(به باتومی اندر ز پند پدر یادم آمد)

- بهار آمده بود ۵۳
(از آتشی نهفته خبر داد و دور شد)
- بهشت گمشده بی نیست ۸۱
(دلم شکست که گفתי که خانه‌پردازی)
- پائیز پدرسالار ۱۱۵
(زندگانی بی تو دیگر رنگ یا بویی ندارد)
- پرید ۶۹
(عطر شبانه‌های تو ای پرپر پرید)
- پنجره ۳۴
(پنجره‌یی رو به باغ بود زندگی من)
- پنجره‌یی رو به باغ ۱۲۸
(پنجره‌یی رو به باغ بود زندگی من)
- پند ۶۶
(پنجاه و هفت رفت ز تاریخ عمر من)
- پیشترها ۲۶
(پیشترها گاهگاهی بال پروازیم بود)
- تجدید مطلع ۷۸
(چو جاده طاقت پایان بریده شد کم‌کم)
- تجدید مطلع ۱۳۱
(هرچند همچو شعله شراری نداشتم)
- تربیت ۶۸
(تربیت نااهل را دانی که چیست)
- تورودکی را ای ماهر و کنون بینی ۹۵
(خوش آن زمان که مرا زاد و بود گیلان بود)



- ۸۶ جدا خواهم نوشت
(داستان زندگانی را جدا خواهم نوشت)
- ۱۹ چشم بر امواج بی پایان دریا
(شاعری کردم ولی از شاعری سودی نبردم)
- ۱۲۵ چون شمع در مسیر غم انگیز باد مهر
(با درد خوی کردم و با غصه زندگی)
- ۱۰۴ چون غنچه‌های گلدان
(در من هوای لیز ز هر جا بریدن است)
- ۴۳ چه کردی
(عزیزم نکستی که این روزها را چه کردی)
- ۸۴ حکمت مغانه
(امسال زندگانی من در خوان گذشت)
- ۸۰ خانه خود را مثال دار پری دار
(ما و منی در نهاد ریشه و گل نیست)
- ۸۳ خانه رشت
(نشئه از باران عصر خانه رشت هنوز)
- ۴۸ خُتْکا
(خُتْکا دیدم به مضافات رشت)
- ۹۴ خودش بود
(هر جمعه میهمان خودش بود)
- ۱۳۳ خوی سپیده داشت
(رنگی به رنگ آبی دریا پریده داشت)
- ۳۱ داستان دریغ
(نه، این شیوه آئین پرواز نیست)

- در آن کرانه که نیما شکفت ۱۰۸
(سکوت خاطره سیل در صدایم بود)
- در انتظار سحر ۷۷
(زمان گذشت و زبانم بریده شد کم‌کم)
- در شگفتم ۱۳۷
(مرغ کی حیرت کند از وسعت پرواز خویش)
- دیدن نداشت ۱۳۸
(آسمانی که یک عمر در آن پریدم پریدن نداشت)
- رفت ۱۱۹
(دسته نرگس که دادی دست من بر باد رفت)
- روپوش ۹۰
(پراز خاطرات پراکنده بود)
- روزگاری ۶۰
(روزگاری، روزگام خرم و فیروز بود)
- زار زار بخند ۴۰
(تو ای خزان غم آلود بر بهار بخند)
- ز داغ گذشت ۱۸
(حادثه‌یی مثل اتفاق گذشت)
- زندگی ۴۷
(وقتی به گذشته‌ها نگه کردم)
- زندگی آغاز خوبی است ۷۳
(خسته از تکرار باران)
- سرنوشت باغ ۸۵
(در تو امید تند به جایی رسیدن است)



- ۷۴ سکوت زار تو سیروس
(قسم به موی تو حالی برای بودن نیست)
- ۱۱۷ سیروس شکست
(در خراب آباد عالم گوشه آباد هست)
- ۱۳۵ شاید به سود من بود.
(از خویشتن شکفتن، نقش وجود من بود)
- ۸۲ شیدیز
(دریغا که شیدیز نی جنبذ و نی دود، نی چرذ)
- ۱۲۴ شرمنده بهارم
(شرمنده بهارم این گونه خوابناک)
- ۴۱ شهید
(آشنایی، عشق، استغنا و مرگ)
- ۷۱ غزل‌های رشت
(تو بهترین غزل‌های رشت من بودی)
- ۱۱۴ کمی جای فومن
(بمان زندگی بشکفد گرچه بر سنگ باشد)
- ۳۹ گذشته‌ام
(از پرنده و خزنده و چرنده هم گذشته‌ام)
- ۱۱۸ گل بیابان
(غروب جمعه غمگین یک خیابانم)
- ۱۱۰ گل داد و می‌دهد باز
(از باغ باقلی‌ها دیگر چه مانده باقی)
- ۳۸ گویی که خاطرات گلاب از سرم پرید
(یک چند هفته‌یی است که خواب از سرم پرید)

- لادن اتفاقی نیست ۶۲
(از شب تاریک می‌آیم که تا روشن شود)
- مانند همیشه مهربان مانده ۴۹
(ای از تو دو مشت استخوان مانده)
- مثل یک لاله ۱۲
(بهار منی و فراموش کردی مرا)
- من با تو بودم ۳۲
(ای که می‌گفتی بیا با من بیا، من با تو بودم)
- موج خیز زندگی ۲۱
(شعر خونباری اگر گفتم مگو دلتنگ بود)
- می‌رسد روزی ۵۸
(گر که می‌شد مثل خود یک عمر مغشوش کنم)
- می‌ریزیم و می‌ریزیم ۴۲
(اگرچه سبز در سبزیم، می‌ریزیم و می‌ریزیم)
- نیست پایانم هنوز ۳۵
(گرچه می‌دانم که عمری را هدر دادم نمی‌دانم هنوز)
- نیست فرق چندانی ۱۴۰
(ابر زار فروردین، باز در دلم بارید)
- نمی‌بینی مرا با چتر در باران ۸۹
(ندارد سال‌ها این هفته و ماهی که من دارم)
- نمی‌دانم ۱۱۳
(اگرچه بال و پر بر باد شد آواز می‌خوانم)
- و در صدای تو ۹۳
(و در صدای تو پیچیده بود سبزی دشت)

- ۱۵ وزن‌های تازه
(شعرهای من که گاهی وزن‌های تازه دارد)
- ۱۲۱ وه که چه عاشقانه‌یی شد
(خاطره‌ات فسانه‌یی شد)
- ۲۹ هر چند در بهار تو
(دیگر میان منظره‌ها دور مانده‌ای)
- ۶۱ هر چه می‌طپید ترا
(چگونه پیر شدی و کسی ندید ترا)
- ۳۳ همیشه هست یکی
(همیشه هست یکی با تو، دیگری که ندیدی)
- ۱۳ هوش پائیز
(چشم تا کار می‌کرد، هوش پائیز بود)
- ۶۴ هیچ و پوچ زندگی
(عاقبت از قطره‌هایم جویباری ساختم)
- ۹۲ یاد ایران بخیر
(یاد جنگل بخیر، یاد توکا بخیر)
- ۵۴ یا معما یا غباری
(موج می‌زد گرچه شورانگیز، آن دریا نبود)
- ۱۳۹ یک اتفاق نادر
(سرشار از نوشتن و خواندن بود)
- ۱۱۱ یک حضور
(آشنایی‌های ما در حد استغراق بود)
- ۱۶ یک دوگامی آن طرف تر زیستم از زندگی
(نرم‌تر از من کسی در شاعری صنعت نکرد)



یک دوگانگی ناگزیر داشت ۱۲۶

(لاچون خوی آب زندگی‌یی سر به زیر داشت)

یکه نفر آمد کتاب‌های مرا برد ۲۴

(منظره‌یی بودم و غروب به من زد)

www.ketab.ir



مثل يك لاله

بهار منی و فراموش کردی مرا
رها در دل دشت خاموش کردی مرا
چگونه بروید که نوری ز سویی ندید؟
چو داغ شقایق سیه‌پوش کردی مرا
مرا خشک کردی و آن‌که وزیدی به من
شکستم ورق در ورق گوش کردی مرا
تو آن باد گرم خزانی که چون ریختم
سبک درگرفتی در آغوش کردی مرا
چنان روح پنهان آتش خزیدی به جان
سپس مثل يك لاله روپوش کردی مرا